



محمد رضا شجاعی، طراح صحنه و لباس وضعیت سفید است. فرد باتجربه‌ای که تاکنون توانسته جوایز بسیاری را با خود به خانه ببرد. اتفاقی که البته درباره موفقیت طراحی صحنه در سریال وضعیت سفید بارها تاکید می‌کند که مرهون حساسیت و جزئی نگری حمید نعمت‌ا... در این زمینه است

## کارگردانی با یک ذره بین بزرگ

اسم «وضعیت سفید» که می‌آید آدم ناخودآگاه یاد چیدمان دقیقی از خاطرات و لحظات جذاب و احساسات و عواطف عمیق انسانی می‌افتد. انگار حمید نعمت‌ا... در کل سریال، ذره‌بینی دست گرفته و مجموعه‌ای از جزئیات و ریزه‌کاری‌های جذاب و خاطره‌انگیز را از دل زندگی بیرون کشیده و دور هم جمع کرده است. مهم‌ترین دلیل جذابیت وضعیت سفید به همین توجه دقیق به عناصر و حالات و رفتارها و احساسات درونی است؛ نکات جذابی که معمولاً در زندگی تک‌تک ما وجود دارد اما خیلی وقت‌ها آنقدر برایمان ساده و معمولی است که راحت از کنارشان رد می‌شویم و حتی نیم‌نگاهی هم به آنها نمی‌اندازیم. این ویژگی منحصر به فرد در کل سریال دیده می‌شود اما کارگردان، پرنرنگ‌ترین بخش آن را به واسطه شخصیت امیر، مقابل چشم‌مان می‌گذارد.

احساسات امیر، عشق امیر، اتاق امیر، یادگاری‌ها و خاطرات و تمام

افکار و رفتاری که به عنوان یک

نوجوان با آنها روبه‌روست،

دقیقاً همان‌هایی است که

اکثرمان در روزها و شب‌های

نوجوانی‌مان تجربه کرده‌ایم

و چه چیزی خاطره‌انگیزتر از

همین لحظات ناب وجود

دارد که بتواند احساساتمان

را درگیر کند؟

این تمرکز روی جزئیات زندگی

و روابط و احساسات، خصلت

تمام آثار نعمت‌ا... است.

همین قدرت به نمایش

گذاشتن احساسات خالص و

ناب است که باعث می‌شود

شخصیت‌های آثار او برای

همیشه در ذهنمان بماند.

کیست که وضعیت سفید، بی‌پولی، رگ خواب یا شعله‌ور را دیده باشد و بتواند ویژگی‌های شخصیتی امیر (یونس غزالی)، ایرج (بهرام رادان)، مینا (لیلا حاتمی) و فرید (امین حیایی) را از یاد ببرد؟

این ویژگی اصلی نعمت‌ا... است که برشی از خود زندگی را پیش روی مخاطبان می‌گذارد و آنها را با کوچک‌ترین خاطرات و افکارشان روبه‌رو می‌کند. او مخاطبان‌اش را به دنیای متفاوت و بی‌نظیر شخصیت‌هایش دعوت می‌کند و در این مهمانی اجازه می‌دهد هرکس با هر ویژگی رفتاری، وجوهی از خودش را در این شخصیت‌ها ببیند و بدون این که بخواهد احساس کند در گوشه‌ای از این فیلم یا مجموعه مشغول ایفای نقش است؛ نقشی که روزگاری شاید مشابه آن را خودش در زندگی بازی کرده باشد. یک وقت مثل امیر وضعیت سفید، در شرایطی که همه درگیر موشک باران و جنگ هستند، وارد وادی عشق و عاشقی می‌شود و کنار خنزرپنجرهای نوجوانی روزگار می‌گذراند. وقتی دیگر همراه ایرج «بی‌پولی»، خودش را از عالم و آدم بالاتر می‌داند و حاضر نمی‌شود از برج عاج پایین‌تر بیاید و برای حفظ این جایگاه دست به هرکاری می‌زند. زمانی مثل مینا «رگ خواب»، عاشق می‌شود، از ته دل می‌خندد، پیامک‌های فرد مورد علاقه‌اش را چندین و چند بار می‌خواند و احساس می‌کند از صفر به اوج رسیده است و لحظه به لحظه دلدادگی و عاشقی را تجربه می‌کند و در نهایت از اوج به حضيض می‌رسد و نابودی‌اش را مقابل چشم خودش می‌بیند. یک موقع هم فرید «شعله‌ور»، به جایی می‌رسد که احساس می‌کند از تمام هم‌سن و سال‌ها عقب افتاده و در زندگی هیچ دستاوردی نداشته است و چاره‌ای جز عصیان پیش رویش نمی‌بیند. آنچه در آثار نعمت‌ا... اهمیت زیادی دارد، توجه به جریان زندگی با تمام وجوه است و وضعیت سفید نمایشگاهی بزرگ از همین جریان زندگی است.

متروکی ساختیم که هنوز هم باقی مانده است.» او درباره سکانس‌هایی که در گلخانه، مدرسه و سینما گرفته شد بود نیز گفت: «مدرسه‌ای که در آن فیلمبرداری صورت گرفت در همان چهاردانگه و گلخانه در تهران بود. سینمایی که در آن فیلمبرداری کردیم هم آن زمان به همان شکل در میدان بروجردی وجود داشت. در کل نیز جاده‌ها، خیابان و... در همان چهاردانگه صورت گرفت و البته پراکندگی تصویربرداری هم وجود داشت که در خود تهران، روستای کن و... صورت می‌گرفت.»

محمد رضا شجاعی به این موضوع نیز اشاره می‌کند که حدود ده سال پیش نسبت به سال‌های اخیر یافتن چنین محل‌هایی آن قدرها دشوار نبود؛ اما با این حال برای بازسازی و ایجاد صحنه‌های درست و بدون نقص زمان بسیاری گذاشته شده بود. این در حالی است که سریال‌های بسیاری تاکنون از آن زمان ساخته شده که ضعف‌های بسیاری در زمینه صحنه‌سازی‌ها دارد. شجاعی در این زمینه می‌گوید: «علت آن که بسیاری از سریال‌های ساخته شده دارای ایراد هستند به دلیل آن است که تلویزیون سطح کیفیتی که برای ساخت سریال‌هایش می‌خواهد خیلی زیاد نیست. همین اتفاق موجب می‌شود بسیاری از کارها سرهم‌بندی و بدون دقت ساخته شود. اما نعمت‌ا... این را نمی‌خواست و حاضر نبود از هر سکانس به سادگی عبور کند. شانس‌هایی که در ساخت سریال وضعیت سفید داشتیم این بود که قرارداد با تلویزیون به صورت قسمتی نبود و به گونه‌ای تلویزیون در عمل انجام شده قرار گرفت. در غیر این صورت وقتی ساخت این سریال به جای ده ماه ۱۸ ماه طول می‌کشید، تلویزیون دستور توقف کار را می‌داد. کما این که عوامل فیلم به دلیل عشقی که نسبت به کارشان داشتند دو سه ماه پایانی را بدون دستمزد کار کردند تا کار به بهترین شکل پیش برود.»

### تخلی بی‌پایان

او در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود تمام تلاش‌هایی که نسبت به جمع‌آوری وسایل مدنظر صورت گرفت آنها را در یک جای مناسب جمع‌آوری نکرده و حتی به صورت موزه درنیاورند، این‌طور پاسخ می‌دهد: «بخشی از وسایل امانت بود و بخشی دیگر که محمد رضا شفیع‌ی آنها را تهیه کرده بود در یک انبار نگهداری می‌شد؛ اما چون اراده و تصمیمی برای حفظ آنها وجود نداشت آقای شفیع‌ی هم برای کارهای دیگر اگر کارگردان و تهیه‌کننده آن وسایل را می‌خواست به آنها می‌داد که بسیاری از آنها دیگر برگشت داده نشد.»

طراح صحنه وضعیت سفید معتقد است چون هیچ گافی از سوی مخاطب دیده نشده پس هیچ گافی نیز وجود نداشته چون عوامل فیلم هم در زمان ساخت متوجه این موضوع نشدند. وی در نهایت می‌گوید: «وضعیت سفید یک کار چالشی و جالب بود. اتفاقات جالب در آن زیاد افتاد. ما که دست اندرکار بودیم تصور نمی‌کردیم کاری با این کیفیت قرار است انجام گیرد. البته منهای نعمت‌ا... چون او کارگردانی است که ایده‌آلش مرحوم علی حاتمی است. این کار ۱۸ ماه طول کشید و سختی زیاد داشت؛ اما وقت تمام شدن کار، کسی دوست نداشت کار تمام شود. این اتفاقات از آن دسته اتفاقات نادر است که در ساخت فیلم و سریال رخ می‌دهد.»



به همراه آقای نعمت‌ا... به خلایق برویم و وسایل مورد نیاز خود را تهیه کنیم. خیلی وقت‌ها چون فیلمنامه شب به شب بازنویسی می‌شد در برخی از موارد فیلمنامه براساس آن وسایلی که تهیه می‌شد نوشته و فضا سازی می‌شد. اهمیت این موضوع برای نعمت‌ا... بسیار بالا بود و برای همین به مقدار زیاد برایش وقت می‌گذاشت.»

### صحنه‌سازی بدون گاف

اما وسایلی که در صحنه‌های سریال به چشم می‌آمد تنها عامل موفقیت این سریال نبود، بلکه صحنه‌هایی که بازیگران سریال در آن حضور داشتند مانند خانه، گلخانه، سینما، مدرسه، خیابان و... همه به گونه‌ای طراحی شده بود که بدون ذره‌ای گاف آن زمان‌ها را برای بیننده‌ها تداعی کند. صحنه‌هایی که اکثر آنها در خاطرات دور مخاطب‌ها جا گرفته است و برای همین بیننده چون در خاطرش باقی مانده امکان ساده عبور کردن از آن وجود نداشت.

شجاعی درباره ساخت و انتخاب محل‌های سریال وضعیت سفید می‌گوید: «همان‌طور که در قصه داستان مشخص است خانواده‌ای قرار است به دلیل موشکباران آن سال‌ها به خارج از تهران بروند. تصور اولیه بسیاری بر این بود چنین فضایی در محیطی مانند شمال ایران باشد. اما نعمت‌ا... موافق این فضا سازی نبود و اصرار داشت سریال در محیطی دشت مانند فیلمبرداری شود. به دلیل تعدد بازیگران امکان این هم وجود نداشت که همه آنها را به شهرستان و نقاط دور کشور برد. برای همین به دنبال محیطی مناسب در اطراف تهران بودیم که به روستای مرتضی‌گرد در چهاردانگه که نزدیک تهران بود، رسیدیم. آنجا باغی بود که خانه‌ای در آن وجود نداشت و ما خانه را روی استخر بزرگ و



#### شجاعی:

این کار ۱۸ ماه طول کشید و سختی زیاد داشت؛ اما وقت تمام شدن کار، کسی دوست نداشت کار تمام شود